

---

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۸۲

آیه ۴ - ۵

آیه و ترجمه

و کم من قرية اهلکنها فجاءها باسنا بیتا او هم قائلون ۴  
 فما کان دعوتهم اذ جاءهم باسنا الا ان قالوا انا کنا ظلمین ۵  
 ترجمه :

۴ - چه بسیار شهرها و آبادیها که آنها را (بر اثر گناه فراوان) هلاک کردیم، و عذاب ما شبهنگام یا در روز هنگامی که استراحت کرده بودند به سراغشان آمد.  
 ۵ - و در آن موقع که عذاب ما به سراغ آنها آمد سخنی نداشتند جز اینکه گفتند ما ظالم بودیم (ولی این اعتراف به گناه دیگر دیر شده بود و به حالشان سودی نداشت).

تفسیر :

اقوامی که نابود شدند

این دو آیه، اشاره‌ای به عواقب دردناک مخالفت با دستوراتی است که در آیات قبل بیان شد، و هم در واقع فهرستی است، اجمالی در سرگذشت اقوام متعددی همچون قوم نوح و فرعون و عاد و ثمود و لوط که بعدا خواهد آمد. قرآن در اینجا به آنهایی که از تعلیمات انبیاء سرپیچی می‌کنند و به جای اصلاح خویش و دیگران بذر فساد می‌پاشند، شدیداً اخطار می‌کند که نگاهی به زندگانی اقوام پیشین بیفکنید و ببینید چقدر از شهرها و آبادیها را ویران کردیم و مردم فاسد آنها را به نابودی کشانیدیم (و کم من قرية اهلکنها). سپس چگونگی هلاکت آنها را چنین تشریح می‌کند که عذاب دردناک ما، در دل شب، در ساعاتی که در آرامش فرو رفته بودند، یا در وسط روز، به هنگامی که پس از فعالیت‌های روزانه به استراحت پرداخته بودند به سراغ آنها آمد (فجاءها باسنا بیتا او هم قائلون).

---

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۸۳

در آیه بعد سخن را چنین ادامه می‌دهد: آنها به هنگامی که در گرداب

بلاگرفتار می‌شدند و طوفان مجازات زندگیشان را درهم می‌کوبید، از مرکب غرور و نخوت پیاده شده فریاد می‌زدند: ما ستمگر بودیم و اعتراف می‌کردند که ظلم و ستمهایشان دامانشان را گرفته است (فما کان دعواهم اذ جائهم باسنا الا ان قالوا انا کنا ظالمین).

### نکته‌ها

#### در اینجا به چند نکته باید توجه کرد:

۱ - قریه در اصل از ماده قری (بر وزن نهی) به معنی جمع شدن آمده، و چون قریه مرکز اجتماع افراد بشر است، این نام بر آن اطلاق شده است، از اینجا روشن می‌شود که قریه تنها به معنی روستا نیست، بلکه هر گونه آبادی و مرکز اجتماع انسانها را اعم از روستا و شهر شامل می‌شود، و در بسیاری از آیات قرآن نیز این کلمه به شهر یا هر گونه آبادی اعم از شهر و روستا اطلاق شده است. قائلون اسم فاعل از ماده قیلولة به معنی خواب نیمروز و یا به معنی استراحت در نیمروز است، و در اصل به معنی راحتی است، و لذا پس گرفتن جنسی که فروخته شده اقاله نامیده می‌شود، زیرا طرف را از نگرانی راحت می‌کند. و بیات به معنی شبانه و شبهنگام است.

۲ - این که در آیات فوق می‌خوانیم که مجازات پروردگار در دل شب یابه هنگام استراحت نیمروز، دامن آنها را می‌گرفت، برای این بوده است که طعم تلخ کیفر را بیشتر بچشند، و آرامش و آسایش آنها به کلی درهم ریخته شود، همانطور که آرامش و آسایش دیگران را به هم ریخته بودند!، و به این ترتیب کیفرشان متناسب گناهشان است.

---

#### تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۸۴

۳ - این موضوع نیز به خوبی از آیه استفاده می‌شود که عموم اقوام مجرم و گنهگار هنگامی که گرفتار چنگال مجازات می‌شدند و پرده‌های غفلت و غرور از مقابل چشمانشان کنار می‌رفت، همگی به گناه خود اعتراف می‌کردند، ولی اعترافی که سودی به حال آنها نداشت، زیرا یکنوع اعتراف اجباری و اضطراری بود که حتی مغرورترین افراد خود را از آن ناگزیر می‌بینند، و به تعبیر دیگر این بیداری یکنوع بیداری کاذب و زودگذر و بی‌اثر است که کمترین نشانه‌ای از انقلاب روحی در آن نیست و به همین دلیل هیچگونه نتیجه‌ای برای آنها نخواهد داشت، البته اگر این واقعیت را در حال

اختیار اظهار می داشتند دلیل بر انقلاب روحی آنها و مایه نجاتشان بود.

۴ - از بحثهایی که در میان مفسران در آیه فوق مطرح شده، این است که چرا قرآن نخست می گوید اهلکناها (ما آنها را هلاک کردیم) بعد با کلمه فاء تفریع که معمولاً برای ترتیب زمانی است می گوید: فجاءها باسنا بیاتا (بعد از آن مجازات ما شبیهنگام به سراغ آنان آمد) در حالی که چنین کیفری قبل از هلاکت بوده، نه بعد از هلاکت.

ولی باید توجه داشت که گاهی جمله بعد از فاء شرح و تفصیل جمله قبل است، نه بیان حادثه دیگری، در اینجا نیز نخست موضوع هلاکت رابطاً بطور اجمال یادآور شده، سپس به شرح آن می پردازد و می گوید: به هنگام شب و یا در حال استراحت نیمروز مجازات ما دامن آنها را گرفت و هنگامی که خود را در آستانه نابودی دیدند، به ظلم و ستم خویش اعتراف کردند نظیر این موضوع در ادبیات عرب کم نیست.

۵ - این گونه آیات نباید به عنوان شرح ماجرای گذشتگان تلقی شود، و تنها مربوط به زمان ماضی و اقوام پیشین فرض گردد، اینها اخطارهای کوبنده ای

---

#### تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۸۵

است برای امروز و برای فردا، برای ما و برای همه اقوام آینده، زیرا درسنت و قانون الهی تبعیض مفهوم ندارد.

هم اکنون، انسان صنعتی با تمام قدرتی که پیدا کرده است، در مقابل یک زلزله، یک طوفان، یک باران شدید و مانند اینها به همان اندازه ضعیف و ناتوان است که انسانهای قبل از تاریخ ناتوان بودند، بنابراین همان عواقب شوم و دردناکی که ستمکاران اقوام گذشته و انسانهای مست غرور و شهوت و افراد سرکش و آلوده پیدا کردند، از انسانهای امروز دور نیست، بلکه قدرت عجیب انسان امروز خود می تواند بزرگترین بلای او بشود، و او را به دامان جنگهایی بکشانند که محصولش نابودی نسل او است، آیا نباید از این حوادث پند گیرد و بیدار شود؟!